

## نقش پزشک در نظام درمان از منظر روایات

سعیده موسوی<sup>۱</sup>، رسول محمدجعفری<sup>۲\*</sup>

### چکیده

**هدف:** یکی از مهم‌ترین ارکان فرایند درمان، وجود پزشک بوده و با توجه به این جایگاه در آموزه‌های دینی بدان پرداخته شده و هدف این پژوهش بررسی نقش پزشک در نظام درمان بر اساس روایات است.

**روش بررسی:** پژوهش حاضر به صورت کتابخانه‌ای و با روش توصیفی تحلیلی و تحلیل مفهومی و اسنادی صورت گرفته است. با استفاده از روش مذکور، روایات معصومان (ع) که بر نقش پزشک در نظام درمان بر اساس روایات دلالت دارند، از کتاب دانشنامه احادیث پزشکی جمع‌آوری شده و سپس، با توجه به اهداف تحقیق، دسته‌بندی و تحلیل شده است.

**یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش حکایت از آن داشت که وظایف و چارچوب‌هایی اخلاقی و حقوقی پزشک دست‌کم در سه محور است: ۱- وظایف پزشک در مواجهه با بیمار، ۲- وظایف پزشک در فرایند درمان بیمار، ۳- احکام طبابت.

**نتیجه‌گیری:** طبق نتایج پژوهش در نظام توحیدی، پزشک واسطه خداوند در درمان انسان‌ها است. با این جهان‌بینی پزشک در مواجهه با بیمار وظایفی دارد که عبارت‌اند از: احساس مسئولیت، تقوا و پاکدامنی، حفظ اسرار بیمار و ایجاد امیدواری در دل بیمار. پزشک در فرایند درمان بیمار نیز وظایفی دارد که عبارت‌اند از: اهتمام به تشخیص بیماری، تلاش برای شناخت داروهای طبیعی و رعایت ضرورت در تجویز دارو. در زمینه احکام طبابت نیز باید به تکالیفی چون: جلوگیری از طبابت افراد غیرمتخصص، مسئول نبودن پزشک در صورت برخورداری از مهارت و گرفتن براءت، جواز درمان به‌رغم احتمال مرگ و انتخاب هم‌جنس برای معاینه معالجه توجه داشته باشد.

**واژه‌های کلیدی:** اخلاق پزشکی، پزشک، بیمار، روایات، وظایف درمان

۱. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. [r.mjafari@shahed.ac.ir](mailto:r.mjafari@shahed.ac.ir)

## مقدمه

در جهان بینی اسلامی، انسان از دو بُعد: جسمی و روحی برخوردار است و این دو بُعد نیز دارای سلامت و بیماری هستند. همان طور که پیامبران و عالمان وارسته هادیان انسان ها برای دستیابی به سلامت روح و رهایی از بیماری های آن هستند، پزشکان نیز عهده دار مجموعه روش های و راه کارهای مرتبط با سلامت و درمان بیماری های جسم می باشند. در فرایند درمان جسم، مجموعه ای از عوامل مادی و معنوی اثرگذار و در عوامل مادی: درمانگر، درمان جو و دارو ارکان اصلی درمان هستند. درمانگر، مجموعه نیروی های انسانی دخیل در درمان است. در میان نیروی های انسانی پزشکان نقشی بی بدیل به عهده دارند. تسریع یا تأخیر در امر درمان پیوندی ناگسستنی با شیوه درمان و مراقبت پزشک با بیمار دارد.

آنچه به عنوان اخلاق عمومی مطرح می شود نمی تواند جوابگوی نیازهای اخلاق در حرفه پزشکی باشد؛ زیرا به هیچ فردی مسئولیتی به اهمیت مسئولیت پزشک واگذار نشده است. هیچ شخصی غیر از پزشک امین ناموس و نگهبان سلامت انسان نیست. برای سالم نگاه داشتن هر شیئی یا هر مخلوقی باید شناخت کامل از آن مخلوق و آشنایی کامل با جغرافیای تن آن مخلوق داشت، حال اگر این موجود مخلوقی باشد که خالق هستی درباره آن فرموده است: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ». (تین/ ۴) با توجه به اینکه روح و نفس انسان، بهترین ارواح و نفوس و بدن او بهترین ابدان و ترکیب او مشتمل بر جمیع قوای عالم آفریده شده است لذا می توان نتیجه گرفت که انسان موجودی برتر، مقدس و از همه والاتر خلیفه الهی است. (۱)

ارتباط پزشک و بیمار، نوعی ارتباط انسان با عوامل انسانی و در حقیقت ارتباطی است بین یک انسان نیازمند به اقدامات درمانی که درمان جو نامیده می شود و حداقل یک انسان ارائه دهنده خدمات درمانی که درمانگر شناخته می شود. این

ارتباط می تواند بر مبنای فضیلت ها شکل گرفته، به سوی رهایی از درد و رنج در یک مسیر متعالی حرکت نماید و یا در مسیری نامطلوب قرار گرفته، با تشدید و افزایش آزدگی و آسیب به نابسامانی و انحطاط گرایش یابد. (۲)

اسلام به عنوان آخرین شریعت الهی از جامعیتی برخوردار است که برای ابعاد گوناگون زندگی انسان ها رهنمودها و دستورالعمل های مورد نیاز را دارد، از جمله در آموزه های اسلامی در کنار جایگاه علمی و تخصصی پزشک، نسبت به نقش اخلاقی، معنوی و اجتماعی او در فرایند درمان توصیه ها فراوانی ارائه شده است. درباره موضوعاتی چون: ویژگی های شخصیتی پزشک و وظایف اخلاقی و شرعی پزشک در طول درمان رهنمودهای مهمی در روایات معصومان (ع) آمده است. در دستورالعمل ها و سوگندنامه های پزشکی مانند آنچه از بقراط نقل شده، در این زمینه نکات محدودی آمده است؛ در حالی که در متون دینی به صورت نسبتاً جامع انعکاس یافته است. استخراج، جمع آوری و تبیین آن ها می تواند الگویی - هر چند مقدماتی - برای آشنایی با دیدگاه اسلام در زمینه نقش اخلاقی و معنوی پزشک باشد. نظر به جایگاه و اهمیت مسئله، هدف این پژوهش بررسی نقش پزشک در نظام درمان بر اساس روایات است.

در موضوع حاضر پژوهش های مشابهی سامان یافته است؛ از قبیل ساداتی و همکاران (۱۳۹۳) مقاله «مدلی از رابطه پزشک و بیمار طبق مفاهیم اسلامی» (۳)، این پژوهش، به صورت بالینی، میدانی و در قالب تحقیقات کمی انجام پذیرفته است، در حالی که در مقاله حاضر تلاش شده است مجموع روایات مربوط به نقش پزشک در نظام درمان مورد مطالعه و تبیین قرار گیرد. در پژوهشی دیگر، خادمی و پهلوان (۱۳۹۰) مقاله «اخلاق پزشکی در اسلام (با تأکید بر نهج البلاغه)». (۴) را سامان داده اند. این تحقیق، تنها بر اساس روایات نهج البلاغه و به صورت عام درباره اخلاق پزشکی است، اما پژوهش حاضر

در روایات، اهل بیت (ع) دست کم از نقش پزشک در دو زمینه سخن به میان آمده است: (۱) پزشک واسطه خداوند در درمان، (۲) وظایف پزشک.

### پزشک واسطه خداوند در درمان

تحقق اخلاق اسلامی در تعامل پزشک و بیمار متضمن فهم جایگاه پزشکی چه به عنوان عامل انسانی (پزشک) و چه به عنوان یک رفتار اجتماعی (نهادهای مختلف پزشکی) است. بر این اساس طبق مفاهیم اسلامی، پزشک اگرچه یکی از نخبگان اجتماعی تلقی می شود با این وجود علم او نسبت به علم لایتناهی الهی محدود است و در نتیجه در امور تشخیص و درمان به این محدودیت باید توجه داشته باشد. (۴)

قرآن کریم می فرماید: «وَإِذَا مَرِضْتَ فَهُوَ يَشْفِين» (شعرا/۸۰): «او خدایی است که به هنگام بیماری مرا شفا می دهد» این آیه، حاکی از آن است که شفا و طبابت از خدای متعال است و طبیب واقعی تنها او است. در واقع خداوند است که خواص درمانی را در داروها نهاده و در نظام آفرینش، برای هر دردی دارویی آفریده و به انسان، استعداد شناخت دردها و داروها و چگونگی درمان آن ها را عنایت کرده است. بدین سان، او را مظهر نام های طبیب و شافی خود قرار داد. بنابراین از نگاه اسلام، طبیب و دارو، خواه برای روح و خواه برای جسم، تنها یک وسیله است و اثربخشی آن ها به اراده خداوند است. (۵)

روایات اهل بیت (ع) نیز گویای آن است که طبیب حقیقی خداوند متعال است و شفای اصلی به دست او است و پزشک واسطه ای است که خداوند شفای بیمار را به دست او سپرده است. از پیامبر (ص) نقل شده است: «ابراهیم (ع) گفت: پروردگارا درد از کیست؟ خداوند فرمود: از من، پرسید: درمان از کیست؟ فرمود: از من، پرسید: پس نقش پزشک چیست؟ فرمود: کسی است که دارو برای او فرستاده شده است.» (۵)

درصد آن است مجموع روایات مرتبط با نقش پزشک را بررسی و تحلیل کند.

### روش بررسی

پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی از نوع تحلیل مفهومی و تحلیل اسنادی صورت گرفت. با استفاده از روش مذکور، گزاره هایی که بر نقش پزشک در نظام درمان بر اساس روایات دلالت دارند، از کتاب دانشنامه احادیث پزشکی جمع آوری و با توجه به اهداف تحقیق دسته بندی و سپس به تحلیل وظایف اخلاقی افراد جامعه در نظام درمان پرداخته شد. دانشنامه احادیث پزشکی از بهترین منابع برای استخراج روایات محل بحث است؛ این دانشنامه، مجموعه دوجلدی از روایات طبیبی است که به سرپرستی آقای محمد محمدی ری شهری سامان یافته و در مقدمه این کتاب درباره انگیزه تألیف آن آمده است: با توجه به این که ضعف سند احادیث طبیبی نمی تواند دلیل عدم صدور قطعی آن ها باشد و با توجه به وجود زمینه جعل در این احادیث، برای پالایش آن ها و بهره مند شدن مردم و به خصوص مراکز علمی از ذخایر علمی اهل بیت (ع)، چند سال پیش، مرکز تحقیقات دارالحدیث، تصمیم به جمع آوری احادیث طبیبی و تنظیم آن ها گرفت، به گونه ای که زمینه تحقیق پژوهشگران را در آزمایشگاه ها تسهیل شود. (۵)

### یافته ها و بحث

#### تعامل پزشک و بیمار

در امر بهبودی بیمار، تعامل بین پزشک و بیمار مطرح است. همکاری پزشک با بیمار، درمان سریع و موفق را نتیجه می دهد و این امر هنگامی محقق می شود که پزشک، در کنار برخورداری از توانایی برقراری ارتباط با بیمار، انواع حقوق مرتبط بر چنین تعاملی را نیز رعایت کند. (۶)

## نقش پزشک در نظام درمان از منظر روایات

همچنین از امام صادق (ع) روایت است که فرمودند: موسی (ع) از خداوند پرسید: «درد از کیست؟ فرمود: از من، پرسید: درمان از کیست؟ فرمود: از من، پرسید: نقش درمانگر چیست؟ فرمود: او با این کار، دل آنان را خوش و خرسند می‌سازد، از این روی، او را طبیب نام نهادند». (۵)

از ابو زمره نقل شده است: «همراه پدرم نزد رسول خدا رفتم. پدرم عارضه‌ای را بر پشت ایشان دید و گفت: ای رسول خدا! من طبیبم آن را درمان کنم؟ حضرت فرمود: تو رفیق هستی (نسبت به بیمار، مهربانی و مدارا می‌کنی) و خداوند، خود، طبیب است». (۵)

بنابراین یک طبیب دین‌دار، الهی می‌اندیشد و بیمار را از راه الهی درمان می‌کند و درمانش درمان الهی خواهد بود، می‌گوید: من دارو می‌دهم و وسیله‌ام، شفا از جانب خداوند است. هرگز خود را شافی نمی‌داند؛ زیرا ابراهیم (ع) فرمود: «اذا مرضت فیهو یشفین» (شعراء/۸۰). (۷) پزشک حاذق و طبیب لایق، مظهر حیات‌بخشی خداست و نام مبارک «شافی» را که از اسمای حسنی الهی است، تجلی می‌دهد (۷)، لذا همچنان‌که وظیفه یک بیمار موحد آن است که هنگام بیماری به پزشک مراجعه داشته باشد، زیرا خداوند شفا را بر دستن پزشک جاری می‌سازد، درعین حال باید توکل و امید خود برای بهبودی را به خالق خود معطوف نماید و شفا را از او دانسته و پزشک را مجرای فیض الهی تلقی نماید.

### وظایف پزشک

بر اساس برخی پژوهش‌ها، ناتوانی کادر درمان به‌خصوص پزشکان در ایجاد رابطه مناسب با بیماران نه تنها هزینه‌های زیادی ایجاد می‌کند، بلکه موجب می‌شود که بیماران از فرایند درمان نیز ناراضی باشند و به دستورالعمل‌های درمانی پزشک معالج عمل نکنند. (۸) سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۹۳ میزگردی با شرکت کارشناسان درباره ارتباط پزشک و بیمار در

ژنو برگزار کرد و مهارت‌های ارتباطی ضروری برای دانشجویان پزشکی تدوین کرد. به‌طور کلی دودسته مهارت در جهت ارتباط پزشک و بیمار مطرح است: ۱- مهارت‌های ارتباطی پایه، ۲- مهارت‌های ارتباطی پیشرفته. مهارت‌های ارتباطی پایه عبارت‌اند از: الف) مهارت‌های بین فردی پزشک و بیمار، ب) مهارت‌های گردآوری اطلاعات، ج) مهارت‌های آموزش و ارائه اطلاعات به بیمار. (۹) مهارت‌های بین فردی پزشک و بیمار: همدلی، صمیمیت و گرمی، خوش‌زبانی، احترام، مدارا و مهربانی، حلم و بردباری، تقوا، ایجاد امیدواری، ایجاد اعتماد، رازداری و... هستند. پزشک باید با احترام، علاقه، صمیمیت و مهربانی با بیمار رفتار کرده و به او توجه نشان دهد. مهارت‌های ارتباطی پیشرفته شامل مهارت‌های مربوط به ایجاد انگیزه در بیمار برای همکاری در امر درمان و همچنین مهارت‌های ارتباطی در وضعیت‌های خاص نظیر گروه‌های خاص با تفاوت‌های فرهنگی و زبانی و یا بیماران با بیماری مزمن است. (۹)

با توجه به روایات، می‌توان وظایف پزشکی را در سه محور مورد بحث قرار داد: ۱) وظایف پزشک در مواجهه با بیمار، ۲) وظایف پزشک در فرایند درمان بیمار، ۳) احکام طبابت.

### وظایف پزشک در مواجهه با بیمار

با بررسی و جمع‌آوری روایات، می‌توان وظایف پزشک در مواجهه با بیمار را در چهار محور تبیین کرد: ۱) احساس مسئولیت پزشک، ۲) تقوا و پاکدامنی پزشک، ۳) حفظ اسرار بیمار، ۴) ایجاد امیدواری در دل بیمار.

### احساس مسئولیت پزشک

مراد از «مسئولیت» آن است که هر نوع تکلیف و تعهدی به همراه پرسش و مؤاخذه است. این کلمه در قرآن نیز ریشه دارد، از جمله: «وَقَفُوْهُمْ اِنْهُمْ مَسْئُوْلُوْنَ» (صافات/۲۴). مسئولیت به

معنای «ضمانت، تعهد و مؤاخذه» و نیز به معنای «موظف بودن به انجام امری» است. (۱۰)

احساس مسئولیت، از مهم‌ترین و اصلی‌ترین آداب پزشکی است؛ زیرا این احساس است که پزشک را به رعایت وظایف اخلاقی، قانونی و شرعی خود در مورد درمان بیمار، وادار می‌سازد. امام صادق (ع)، از حضرت عیسی (ع) نقل فرموده است: «آن که درمان جراحات زخم‌دیده‌ای را واگذارد، ناگزیر شریک کسی است که جراحی را بر بدن وی نشانده است؛ چه آن که زخم رسانده، تباهی مجروح را خواسته و آنکه درمان وی را واگذارد، بهبود او را نخواسته و اگر که بهبودی وی را نخواسته باشد، تباهی او را اراده کرده است.» (۵)

این سخن، مبنای بر منطق روشنی است که نه تنها پیروان اسلام و مسیحیت، بلکه هیچ پزشک باوجدانی نمی‌تواند آن را انکار کند، لذا پزشک، مسئول است با همه توان برای درمان بیمار تلاش کند و با هیچ بهانه‌ای نمی‌تواند از زیر بار این مسئولیت، شانه خالی نماید. بر همین اساس، یکی از وظایف مهم دانشگاه‌های علوم پزشکی، برنامه‌ریزی برای پرورش حس مسئولیت‌شناسی در دانش‌پژوهان این دانش است. (۵)

بنابراین ایجاد حس مسئولیت برای شخصی که با سلامت انسان‌ها ارتباط دارد، عامل مهمی برای جلوگیری از بی‌مبالاتی در درمان و هشدار برای رعایت احتیاط است. با نادیده گرفتن این مهم، بخشی از حقوق بیمار ضایع می‌شود. التزام عملی به آموزه‌های دینی می‌تواند نقش مهمی را در ایجاد تعهد و احساس مسئولیت برای پزشک در قبال بیمار ایجاد کند.

### تقوا و پاکدامنی پزشک

تقوا در هر حرفه‌ای به معنای رعایت قوانین الهی در انجام دادن آن و تقوای پزشکی شامل همه آداب و احکام اسلامی مرتبط با این حرفه است؛ با این وجود در تقوای پزشکی دو نکته از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است: یکی، خیرخواهی برای

بیمار و دیگری تلاش برای درمان او. از این رو امام علی (ع) پس از توصیه پزشکان به تقوا بلافاصله به این دو مصداق بارز تقوای پزشکی اشاره می‌فرماید: «هرکسی که طبابت می‌کند باید تقوایش را خیرخواهی داشته باشد و کوشش کند.» (۵)

پزشک باتقوا، در صرف وقت برای تشخیص بیماری، در تجویز دارو، در چگونگی درمان و طول آن، به چیزی جز سود بیمار نمی‌اندیشد.

یکی از مصادیق مهم تقوای پزشکی، عفت جنسی و پاکدامنی است. پزشک باتقوا، به خود اجازه نمی‌دهد از بیمار، سوءاستفاده جنسی کند و حتی در نگاه کردن برای معاینه، حدود اسلامی را رعایت می‌نماید، بدین معنا که اگر از طریقی به جز نگاه کردن به موضعی که نگاه کردن به آن در اسلام ممنوع است، بتواند بیماری را تشخیص دهد، مبادرت به نگاه نامشروع نمی‌ورزد و در صورت لزوم به اندازه ضرورت، اکتفا می‌کند. (۵)

با توجه به روایات، تقوای پزشکی همان وظیفه انسانی و اخلاقی پزشک در هنگام معالجه بیمار است که به سهل‌انگاری دچار نگردد و به صورت شایسته به امر درمان اهتمام ورزد و برای حسن انجام وظیفه خود، در پی هزینه و فایده نباشد. صلاح بیمار اولویت اصلی پزشک باشد و از تمام توان علمی و عملی خود برای درمان بیمار بهره‌گیرد چراکه هر نوع سهل‌انگاری می‌تواند منجر به ایجاد خطر برای نفس محترمه شود. مزین بودن طبیب به تقوای پزشکی مانعی بر هر نوع کم‌کاری در امر درمان است.

### حفظ اسرار بیمار

اصل رازداری پزشکی و حفظ حریم خصوصی بیماران یکی از مهم‌ترین وظایف اخلاقی در حیطه اخلاق پزشکی است که دارای سابقه‌ای دیرینه در دنیای پزشکی است. در سوگندنامه بقراط به اهمیت این موضوع اشاره شده است و از آن مانند امری

## نقش پزشک در نظام درمان از منظر روایات

مقدس نام برده شده است. در اسلام به موضوع رازداری اهمیت زیادی داده شده است. واضح است که اگر این موضوع مربوط به روابط پزشک و بیمار باشد اهمیت آن دوچندان می شود. در بیان علت و فلسفه رازداری دلایل متعددی گفته شده است، از جمله می توان احترام به اتونومی بیمار و نیز جلوگیری از آسیب رسیدن به رابطه پزشک و بیمار که جزء اصلی این رابطه موضوع اعتماد است، اشاره کرد. لذا در اکثر کدهای اخلاقی انجمن ها و تشکل های حرفه ای پزشکی به مسئله حریم خصوصی و رازداری تأکید فراوان شده است و حتی در بعضی از کشورها در این خصوص قوانینی وضع شده است. (۱۱)

یکی از آداب مهم پزشکی، رازداری است. برخی از بیماری ها، راز بیمار محسوب می شوند و او مایل نیست دیگران از آن مطلع شوند. روایات اسلامی از یکسو به بیمار توصیه می کنند که بیماری پنهان خود را از پزشک، کتمان نکند، چنانکه امام علی (ع) می فرماید: «هر کس درد نهفته خویش را پنهان بدارد، طبیبش از درمان وی ناتوان می ماند» (۵) و از سوی دیگر، به پزشک تأکید می کنند که امانت دار باشد و با افشای راز بیمار، به او خیانت ننماید. در حدیث نبوی آمده است: «نشستن ها به امانت است و افشای راز برادرت نیز خیانت، پس از این کار، بپرهیز». (۵)

عدم رعایت راز بیمار سبب شکستن حریم خصوصی او شده و عملی خلاف اخلاق اسلامی و انسانی رخ داده است. از برخی روایات می توان استفاده کرد که رعایت نکردن اسرار بیمار نوعی قتل به حساب می آید. امام رضا (ع) فردی که افشای راز می کند را شریک قاتل معرفی می کند و می فرماید: «در کارهایتان در امور دین و دنیا رازدار باشید»، همچنین روایت شده است: «افشاگری کفر است» و نقل شده است: «کسی که افشای اسرار می کند با قاتل شریک است». (۱۲) شاید علت تعبیر قتل بدان جهت باشد که شخصیت بیمار را مورد حمله قرار داده و با افشای راز او، آبرویش را ریخته و گویی روحش را به قتل رسانده

است.

## ایجاد امیدواری در دل بیمار

امید عاملی بسیار اثرگذار در سلامت روح و روان انسان و ایجاد توانایی در برابر چالش های متعدد زندگی است. انسان با برخورداری از امید، توان مواجهه با هر حادثه ای را در وجود خود می بیند؛ خواه این حادثه مبارزه با یک بیماری و خواه حوادث غیرمترقبه باشد. در اهمیت امید می توان به آیه ۵۳ سوره زمر استناد کرد: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أُسِرُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ»: «بگو ای بندگان من که بر خویشتن زیاد روی روا داشته اید، از رحمت خدا مأیوس نشوید».

بهترین راه ایجاد امید در بیمار، تقویت حس مذهبی، توکل به خدا و اعتقاد به این حقیقت است که طبیب واقعی خداوند است و درمان هیچ دردی برای خداوند متعال دشوار نیست و چه بسا دردهای بی درمان که با دعا شفا یافته است و خداوند متعال چیزی جز خیر و صلاح انسان را نمی خواهد. (۵)

در نقطه مقابل، ناامیدی، موجب تشدید بیماری و بیش از بیماری برای بیمار، رنج آور است. به فرموده امام علی (ع): «سخت ترین بلا، گسستن امید است». (۵) بلکه گاه ناامیدی، سبب مرگ بیمار می گردد، چنانکه امام علی (ع) می فرماید: «ناامیدی، آن کس را که دامنگیرش بشود، می کشد». (۵) برعکس، امید به درمان، از رنج بیماری می کاهد و به بیمار، قدرت غلبه بر بیماری می دهد و درمان را تسریع می نماید. از این رو، یکی از وظایف مهم پزشکی، به ویژه در مورد بیماری های خطرناک، تقویت روحیه بیمار و ایجاد امید در او است.

محتوای این روایات گویای نافع بودن امید به عنوان احساسی مثبت برای حرکت روبه جلوی بیمار و تلاش وی برای رسیدن به هدف سلامتی است، چراکه امیدوار بودن خود سبب ایجاد نگرش ذهنی مثبت به نتایج چنین تلاشی است. به تعبیر شهید مطهری، گاهی بیماری جسمی از راه روانی معالجه

می‌شود، همچنان که گاهی بیماری روانی از راه جسم معالجه می‌شود، مثلاً یک بیماری واقعاً جسمی است ولی با یک سلسله تلقین‌ها و تقویت‌های روحی معالجه می‌شود. (۱۳)

### وظایف پزشک در فرایند درمان بیمار

پزشک، مسئول است که با تمام توان خود، برای درمان بیمار تلاش کند و نباید از زیر بار این مسئولیت خطیر شانه خالی کند چراکه کوتاهی پزشک در درمان بیمار، به معنای سهمیم بودن او در تداوم یا تشدید بیماری و گاه مرگ بیمار است. با توجه به روایات می‌توان وظایف پزشک در فرایند درمان بیمار را به سه بخش تقسیم کرد: (۱) اهتمام در تشخیص بیماری، (۲) تلاش برای شناخت داروهای طبیعی، (۳) رعایت ضرورت در تجویز دارو.

### اهتمام در تشخیص بیماری

پزشکان با ادای سوگند، متعهد می‌شوند به نجات زندگی بیماران بپردازند. آنان در طول شبانه‌روز با افراد زیادی از گروه‌های مختلف جنسی، اجتماعی و سنی مواجه می‌شوند. این افراد اگرچه باهم فرق دارند اما پزشک همه را با یک نام مشترک، یعنی بیمار می‌شناسد و او مورد اعتماد بیمار است. به دلیل همین اعتماد است که بیمار، تصمیم‌گیری درباره سلامت خود را به پزشک می‌سپارد. (۱۴)

یکی از آداب پزشکی که در احادیث اسلامی بر آن تأکید شده، اهتمام به تشخیص بیماری است. پیامبر (ص) در روایتی خطاب به طبیبی می‌فرماید: «هیچ‌کس را درمان مکن، مگر آنگاه که بیماری او را بشناسی» (۵) و نیز امام سجاد (ع) است که می‌فرماید: «کسی که بیماری‌اش تشخیص داده نشود، درویش او را تباه می‌سازد». (۵)

این روایات تأکید بر لزوم سعی و تلاش در انجام امر طبابت به‌صورت شایسته دارد؛ چراکه صحبت از نجات یک انسان

است. در ضرورت اهتمام داشتن به امر حیات و سلامتی انسان می‌توان به این آیه استشهاد کرد که فرمود: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده/۳۲): «هر که نفسی را بدون حق و یا بی‌آنکه فساد و فتنه‌ای در زمین کرده، بکشد مثل آن باشد که همه مردم را کشته و هر کس نفسی را حیات بخشد (از مرگ نجات دهد) مثل آن است که همه مردم را حیات بخشیده است».

به‌وفور دیده‌شده که به دلیل تشخیص نادرست پزشک و تجویز داروی نامناسب بیماری تشدید شده و گاه بیمار وفات یافته است. رعایت اخلاق پزشکی و توجه به این‌گونه روایات اقتضای آن را دارد که پزشک همه توان خود را برای تشخیص بیماری به کار بندد و پیش از تشخیص درست به تجویز دارو اقدام نکند و اگر به هر دلیل آمادگی لازم را برای اظهارنظر ندارد، از تجویز دارو خودداری کند.

### تلاش برای شناخت داروهای طبیعی

وجود گیاهان دارویی در طبیعت یکی از نعمت‌های بزرگ الهی است. از آنجاکه انسان جزئی از طبیعت است برای هر بیماری، طبیعت گیاه مداوایی آن را عرضه کرده است. انسان هر چه به طبیعت نزدیک‌تر شود، سالم‌تر است و بیشتر عمر می‌کند. به همین دلیل انسان هر چه به طبیعت روی آورد و از آن بیشتر بهره برد، بیماری سریع‌تر، بهتر و مطمئن‌تر درمان می‌شود. (۱۵)

احادیث تأکید دارند که همه بیماری‌ها به‌استثنای مرگ، در نظام آفرینش دارو دارند و قابل درمان هستند. برخی روایات تصریح کرده‌اند که خداوند برای همه بیماری‌ها دارو آفریده و طبق برخی دیگر خداوند، برای همه بیماری‌ها دارو نازل کرده است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «آنکه دردها را آفریده، برای آن‌ها درمان نیز آفریده است». (۵) نیز در روایتی دیگر

## نقش پزشک در نظام درمان از منظر روایات

می‌فرماید: «خود را مداوا کنید؛ زیرا خداوند عزوجل هیچ دردی را فرو نفرستاده، مگر اینکه برای آن، شفایی هم نازل کرده است». (۵) از ظاهر این دو روایت به دست می‌آید که دارویی بیماری‌ها در طبیعت وجود دارد. بی‌تردید، داروهای طبیعی، زیان کمتر و سود بیشتری برای درمان دارند. (۵)

توجه به این روایات در موضوع این دغدغه را در پزشک فراهم آورد که اولاً، تلاش و جدیت در جهت شناخت داروهای طبیعی آن‌ها داشته باشد، ثانیاً تا حد امکان برای درمان بیمار از داروهای طبیعی بهره جوید تا عوارض ناشی از مصرف داروهای شیمیایی را بر بیمار تحمیل نشود.

### رعایت ضرورت در تجویز دارو

در روایات فراوانی از اهل بیت (ع) تأکید شده است که تا آنجا که بدن، قدرت تحمیل بیماری را دارد، بیمار نباید به پزشک مراجعه کند؛ زیرا مصرف دارو بدون ضرورت برای سلامت انسان، زیان بار است امام علی (ع) می‌فرماید: «با درد خویش تا آن هنگام که با تو مدارا می‌کند، مدارا کن». (۵)

از امام کاظم (ع) روایت شده است: «تا زمانی که بیماری به صورت جدی با شما درگیر نشده است، درگیر معالجه طبیعیان نشوید، زیرا درمان، بسان ساختمان است که مقدار کمی از آن، شخص را به مقدار فراوانش می‌کشاند». (۵)

رسول خدا (ص) می‌فرماید: «هر کس می‌تواند با بیماری خود، سر کند، از درمان بپرهیزد؛ زیرا بسا دارویی که خود، بیماری بر جای می‌نهد». (۵) از امام علی (ص) نقل شده است: «نوشیدن دارو برای بدن، به صابون برای جامه می‌ماند؛ آن را تمیز می‌کند، اما کهنه‌اش نیز می‌کند». (۵)

از این روایات چنین به دست می‌آید که مصرف دارو بدون ضرورت، برای سلامت زیان بار است. بنابراین نباید با کوچک‌ترین ناملایمی به پزشک مراجعه کرده و به استفاده از دارو مبادرت ورزید. زیرا سیستم دفاعی بدن، خود بر بسیاری از

بیماری‌های ساده فائق خواهد آمد.

از سویی هر دارویی در کنار اثر درمانی خود عوارضی را در بدن نیز خواهد گذاشت و با توجه به التزامی که این دست احادیث برای پزشک متعهد می‌آورد، حتی در صورت نادیده گرفتن این رهنمودها توسط بیمار و مراجعه او به پزشک، این وظیفه طبیب متعهد و باتقوا است که پس از معاینه، در صورت تشخیص بیماری جزئی و عدم ضرورت تجویز دارو، از نوشتن نسخه و دادن دارو اجتناب کند و در صورت تشخیص ضرورت مصرف دارو، از تجویز بیش از اندازه دارو بپرهیزد.

### احکام طبابت

با دقت در روایات روشن می‌گردد که احکامی در حوزه طب و طبابت وجود دارد برای پزشک الزام آور هستند. این احکام را تحت عناوین ذیل می‌توان دسته‌بندی کرد: (۱) جلوگیری از طبابت افراد غیرمتخصص، (۲) مسئول نبودن پزشک در صورت برخورداری از مهارت و گرفتن برائت، (۳) جواز درمان به‌رغم احتمال مرگ، (۴) انتخاب هم‌جنس برای معاینه و معالجه، (۵) جواز معالجه توسط جنس مخالف در هنگام ضرورت، (۶) عدم جواز معالجه توسط جنس مخالف در عدم اضطرار، (۷) درمان با محرّمات.

### جلوگیری از طبابت افراد غیرمتخصص

اسلام بایبان این حقیقت که جسم و روح انسان به خداوند تعلق دارد (پذیرش اصل مالکیت خدایی) و خود انسان بر بدن خویش مالکیت استقلالی ندارد، حق هرگونه سوء تصرف در بدن را از همه کس (خود فرد و سایر افراد) گرفته است. نکته مهم این که اگر هیچ‌کس حق تصمیم‌گیری و اقدام ضرر آمیز در بدن خود را ندارد، قطعاً نیروهای پزشکی که با جسم و روان افراد ارتباط ندارند نباید در امری که به ضرر فوری یا تدریجی در فرد منجر می‌شود شرکت نمایند بلکه باید همیشه حافظ سلامتی و

نگهبان حیات انسانی باشند. (۱)

از نظر اسلام، طبابت افراد غیرمتخصص، ممنوع و نظام اسلامی موظف است از طبابت آنان جلوگیری کند و در صورت سرپیچی، آنان را مانند روحانی نمایان فاسق، زندانی کند. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «بر امام، لازم است عالمان تبه‌کار و پزشکان ناآگاه را به زندان درافکند». (۵) پزشک غیرمتخصص، در صورتی که اقدام به طبابت کرد و موجب زیان بیمار گردید، علاوه بر اینکه مرتکب گناه شده، بر اساس قانون «ضمان»، ضامن است، رسول خدا (ص) می‌فرماید: «هر کس بدون تخصص لازم به کار طبابت دست یازد، (شرعاً) ضامن است». (۵) همچنین آن حضرت فرموده‌اند: «هر کس در حالی که به طبابت شناخته‌شده نیست، عهده‌دار آن گردد و موجب فوت کسی یا صدمه‌ای کمتر از آن شود، ضامن است». (۵) از امام صادق (ع) نقل شده است: «هر کارگر و صاحب حرفه‌ای که برای انجام صحیح کاری مزد گیرد و آن را خراب کند، ضامن است». (۱۶)

واضح است که این دست روایات ضمانتی شرعی بر دوش فردی که به امر درمان بیمار می‌پردازد می‌گذارد و پایبندی به آن خود عاملی مؤثر در جلوگیری از ورود افراد غیرمتخصص به حوزه درمان است چراکه حفظ جان انسان همواره از اولویت برخوردار بوده و تنها کسانی اجازه ورود به این حوزه را خواهند داشت که تخصص لازم را به دست آورده باشند.

### مسئول نبودن پزشک در صورت برخورداری از مهارت و گرفتن برائت

از جمله احکام طبابت، مسئول نبودن پزشک در صورت داشتن مهارت و گرفتن رضایت جهت انجام پروسه درمان از بیمار است. از امام علی (ع) خطاب به پزشکان و دامپزشکان نقل شده است: «پزشکان، دامپزشکان و کسانی که به کار پزشکی دست می‌یازید هرکدام از شما که انسانی یا حیوانی را

معالجه می‌کند، باید برای خویش، برائت بگیرد؛ چراکه هر کس در حالی که برای خویش برائت نگرفته، به معالجه چیزی پردازد و آن چیز هلاک شود، ضامن خواهد بود». (۵)

در روایتی دیگر امام علی (ع) فرموده‌اند: «هر کس به کار طبابت انسان یا حیوان دست می‌یازد، باید از ولی آن انسان یا حیوان برای خویش، کسب برائت کند، وگرنه ضامن آن است». (۵)

بر مبنای اصل برائت ذمه پزشک از اشتغال مبرا است. یعنی در صورت وجود مهارت و توانایی لازم در پزشک، اخذ اذن و اجازه از بیمار یا ولی او و کار بست تمام موازین فنی، اگر امر معالجه بیمار به خسارتی منجر شود، طبق اصل برائت به مبرا بودن ذمه طبیب حکم می‌شود. (۱۰) در صورتی که پزشک از بیمار، ولی یا نماینده قانونی او رضایت و برائت اخذ نکرده باشد، در این حالت به موجب قانون مجازات اسلامی ضامن است. (۱۷)

### جواز درمان به رغم احتمال مرگ

از دیگر مباحث مربوط به احکام پزشکی که در روایات بدان پرداخته شده و موضوع جواز اقدامات درمانی است که در آن احتمال مرگ وجود دارد، البته این موضوع در صورت کار بست تلاش و دانش توسط پزشک در تشخیص بیماری است. نقل شده است که یونس بن یعقوب به امام صادق (ع) عرضه می‌دارد: «کسی دارویی می‌نوشد یا رگ می‌زند، شاید که با این کار، سود برد و شاید هم این کار، او را بکشد، حکمش چیست؟ حضرت فرمود: رگ بزند و دارو را بنوشد». (۵)

در روایت دیگری از امام صادق (ع) سؤال می‌شود کسی دارویی می‌نوشد شاید این دارو او را بکشد و شاید هم از آن به سلامت بماند، ولی بیشتر سالم می‌ماند. حکمش چیست؟ امام فرمود: «خداوند هم درد را و هم شفا را فرو فرستاده است. خداوند هیچ دردی را نیافریده، مگر آن که برایش درمانی نیز قرار داده است. آن را بنوش و نام خدای تعالی را بر زبان آور».

(۵)

توجه به این روایات می‌تواند سبب ایجاد انگیزه‌ای قوی برای پزشک متعهد متخصص باشد؛ زیرا از سویی در تلاش است آخرین یافته‌های علمی را در فرایند درمان بیماری به کار گیرد و از سویی دیگر نتیجه را به خدای متعال واگذارد. اگر مصلحت الهی بر بهبودی بیمار باشد، عافیت خواهد یافت و اگر مصلحت بر بهبودی نباشد، گناه و تقصیری متوجه او نخواهد شد.

### انتخاب هم‌جنس برای معاینه و معالجه

ضرورت مراجعه به پزشک هم‌جنس به هنگام بیماری از دیگر موضوعاتی است که در روایات معصومان (ع) از آن سخن به میان آمده است. برای نمونه روایت شده است که دوشیزه‌ای را پدرش به بدکارگی متهم کرد، امیر مؤمنان (ع)، از آن دختر پرسید: «درباره آنچه پدرت گفته است، چه می‌گویی؟ گفت: سرورم! این سخن او که من دوشیزه‌ام، راست گفته است؛ اما این‌که گفته‌ام، به حق تو سوگند، من هیچ خیانتی از خود سراغ ندارم. امام (ع) بر منبر رفت و فرمود: مامای کوفه را بیاورید. زنی به نام لینه که مامای زنان کوفه بود حاضر شد. امام (ع) به او فرمود: میان خودت و مردم، پرده‌ای بیاویز و بنگر که آیا این دختر، دوشیزه است یا آستن. قابله، آنچه را امام (ع) فرموده بود، به انجام رساند. سپس از پس پرده بیرون آمد و گفت: سرورم! او هم دوشیزه و هم آستن است. فرمود: ای قابله! این یخ را بگیر و آن دختر را بیرون مسجد ببر و او را در تشتی بنشان و این قطعه یخ را در جلو شرمگاه او بگذار، زالویی خواهی دید که ۲۵ درهم و دو دانگ وزن دارد و از او بیرون می‌آید. قابله این کار را انجام داد و آن زالو را همان‌گونه که ایشان فرموده بود، یافت.» (۵)

در این روایت امیر مؤمنان (ع) برای درمان دختری که به چالشی مهم گرفتار شده است از قابله درخواست معاینه و مداوای او را می‌کند؛ در حالی که خود عالم به مشکل بیمار بوده است،

چنان‌که از راه حل حضرت در روشن گردید؛ اما اینکه ایشان امر می‌کند تا ماما را حاضر کنند و به او می‌فرماید تا پشت پرده به مداوای بیمار بپردازد، در بردارنده نکات مهم و آموزنده‌ای است از جمله آن‌که به دیگران تعلیم دهد که با وجود درمانگر هم‌جنس از مراجعه به درمانگر غیر هم‌جنس باید خودداری کرد. از نظر فقهی نیز مراجعه به پزشک جنس مخالف، اگر مستلزم نظر یا لمس حرام باشد - به جز حالت ضرورت و اضطرار - طبق نظر همه فقها جایز نیست. (۱۸)

### جواز معالجه توسط جنس مخالف در هنگام ضرورت

موضوع دیگری که در آموزه‌های روایی نسبت به معالجه توسط جنس مخالف مورد بحث قرار گرفته است، جواز معالجه به وسیله پزشک غیر هم‌جنس در هنگام ضرورت است. از امام صادق (ع) سؤال شد: «آیا جایز است زنی که به بیماری جسمی مبتلا است، توسط مرد معالجه شود؟ فرمود: اگر چاره‌ای جز این نباشد، اشکالی ندارد.» (۵)

در روایت دیگری ابو حمزه ثمالی از امام باقر (ع) سؤال می‌پرسد: «زن مسلمانی در جایی از بدنش - که نگاه کردن به آن جایز نیست - دچار شکستگی یا جراحی می‌شود و برای درمان وی، مردان پزشک از زنان پزشک توانمندتر هستند، در این صورت جایز است مرد برای درمان به او بنگرد؟ فرمود: اگر زن ناچار شود و خودش نیز بخواهد، جایز است مرد او را درمان کند.» (۵)

نظر فقها در مراجعه بیمار به غیر هم‌جنس بر اساس اصل ضرورت و اضطرار است در این خصوص یک قانون کلی وجود دارد آن قاعده این است که با وجود پزشک ممتثل (جنس موافق)، رجوع به غیر ممتثل (جنس مخالف) در صورتی که مستلزم لمس یا نظر حرام باشد، جایز نیست ولی اگر پزشک ممتثل در مورد یک بیماری وجود نداشته و یا تخصص کافی را نداشته باشد، رجوع به غیر ممتثل اشکال ندارد لکن باید به

مقدار ضرورت اکتفا شود. (۱۹)

### عدم جواز معالجه توسط جنس مخالف در عدم اضطرار

از دیگر احکام مربوط به حوزه طبابت - که در روایات از آن سخن به میان آمده - جایز نبودن مراجعه به جنس مخالف در غیر ضرورت است؛ از امام کاظم (ع) سؤال می‌شود اگر در ران یا شکم یا بازوی زنی زخمی وجود داشته باشد، جایز است مرد معالج، برای درمان بدان بنگردد؟ فرمود: خیر. (۵)

معاینه مرد به وسیله زن و برعکس از دیدگاه اسلامی جایز نیست، مگر به هنگام ضرورت که قهراً با عنوان ثانوی جایز بلکه در مواردی مثل نجات نفس محترمه توسط پزشک غیر مماثل به مقدار ضرورت - و نه بیشتر - واجب می‌گردد. (۲۰)

### درمان با محرّمات

از موضوعات دیگری که در روایات بدان پرداخته شده است و دودسته روایات به ظاهر متضاد درباره آن از معصومان (ع) وارد شده است، مسئله درمان با محرّمات است. از رسول خدا (ص) روایت شده است: «کسی که می‌خواهد با حرام درمان بجوید، بداند که خداوند در آن شفایی قرار نداده است» (۵).

از امام صادق (ع) نقل شده است: «خداوند، در هیچ کدام از محرّمات، شفا و دوا نگذاشته است». (۵)

در روایت دیگری، قائد بن طلحه از امام صادق (ع) سؤال می‌کند که آیا می‌توان از شراب خرما به عنوان دارو بهره گرفت؟ فرمود: خیر، برای هیچ کسی روا نیست با حرام، درمان کند. (۵)

این روایات گویای آن است که پزشک به استفاده از حرام در درمان بیمار خویش مجاز نیست؛ چراکه خدای متعال آنچه را که به مصلحت بندگانش بوده حلال و آنچه به زیان آنان بوده حرام کرده پس در حرام شفایی نمی‌توان یافت.

اما طبق برخی روایات دیگر درمان با محرّمات جایز دانسته

شده است: از موسی بن جعفر (ع) نقل شده است: «هیچ حرامی نیست مگر این که خداوند در صورت اضطرار آن را حلال کرده است». (۱۹) این حدیث اطلاق دارد و هر حرامی را در صورت اضطرار حلال می‌کند. بنابراین، درمان با محرّمات در صورت اضطرار نیز حلال می‌گردد. در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «هر کس به خوردن مردار، خون و گوشت خوک مضطر گردد و از آن‌ها نخورد تا بمیرد، کافر است». (۱۹)

دلالت این روایت بر جواز خوردن محرّمات، مانند خون، مردار و گوشت خوک در صورت اضطرار روشن است و سرایت حکم جواز به ارتکاب دیگر محرّمات در حال اضطرار با الغای خصوصیت قابل اثبات است.

شایان ذکر است منافاتی بین دودسته روایات نیست؛ زیرا قاعده اضطرار حاکم بر ادله حرمت مداوای با محرّمات است. اینکه در روایت آمده است: «لَمْ يَجْعَلْ فِي شَيْءٍ مِّمَّا حَرَّمَ شِفَاءً وَ لَا دَوَاءً»، با توجه به اینکه در عالم خارج شفای با محرّمات اتفاق می‌افتد، معنای روایات این می‌شود که خدا مداوا به وسیله امر حرام را مجاز قرار نداده است ولی این اختصاص به فرض اختیار دارد و نه اضطرار. (۲۱)

البته باید توجه داشت که خدای سبحان هیچ دردی را بدون درمان نیافریده، بلکه هم در برابر درد درمان قرار داده و هم راه درمان حلال را معرفی کرده است. خدای سبحان برای درمان بیماری داروی حلال هم آفریده است. تفکر در امور دنیا انسان را به تشخیص راه حلال می‌رساند؛ مثلاً پی می‌برد که عصاره فلان گیاه، خاصیت دارویی شراب را دارد و مفسده آن را ندارد. (۲۲)

لازم به ذکر است در صورت علم به ناکارآمدی داروی حرام، حرام درمانی جایز نیست و چنانچه امر درمان، جان بیمار یا انسان دیگری را به خطر اندازد و یا فاقد هرگونه فایده عقلایی باشد، حرام درمانی شایسته نیست. (۲۳)

## بحث

دین اسلام انسان را مخلوقی با عظمت دانسته که در بهترین خلقت و احسن تقویم قوام یافته است. موجودی که قابلیت خلافت الهی در او ایجاد شده است و برای رسیدن به این مقام جامع‌ترین و کامل‌ترین برنامه در اختیارش قرار گرفته است. موضوع سلامتی و آداب مرتبط با آن نیز مغفول نمانده و دستورات اخلاقی مهمی در قالب آیات و روایات عرضه شده است. در برخی روایات علم پزشکی در کنار علم دین قرار گرفته است؛ طبق حدیثی از پیامبر (ص) علم به دودسته تقسیم می‌شود: علم دین و علم پزشکی، اشاره به این دو علم به معنای انحصار علوم در این دو و نفی دیگر علوم نیست بلکه بیان‌گر نقش سترگی است که این دو علم در جامعه دارند؛ علم و وظیفه سلامت روح انسان و علم پزشکی مسئولیت سلامت جسم انسان را بر عهده دارد؛ بنابراین صاحبان هر دو دانش نقش مهمی در جامعه ایفا می‌کنند، لذا همان‌طور که اولیای دین اخلاق مدارترین افراد جامعه بوده و هستند، پزشکان نیز بیش از دیگر پیشه‌وران سازماندهی به فضایل اخلاقی هستند.

## نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف بررسی نقش پزشک در نظام درمان بر اساس روایات، به تبیین روایات در زمینه تعامل پزشک و بیمار پرداخت. طبق نتایج پژوهش، پزشک تنها یک درمانگر مادی نیست. در نظام توحیدی، آفریننده، روزی‌دهنده، زنده‌کننده و میراننده و درمانگر حقیقی خداوند است و دیگران واسطه‌های فیض الهی هستند. بر این اساس پزشک واسطه خداوند در درمان انسان‌ها است. چه‌بسا بیمارانی که پزشکان از درمان آن‌ها ناتوان مانده‌اند و چه‌بسا بیمارانی که پزشکان از درمان آن‌ها قطع امید کرده ولی از بیماری‌هایی یافته‌اند. حال با این جهان‌بینی در آموزه‌های روایی برای نوع مواجهه پزشک با بیمار و فرایند درمان، وظایف و چارچوب‌هایی اخلاقی و حقوقی

دست‌کم در سه محور ترسیم گردیده است: ۱- وظایف پزشک در مواجهه با بیمار، ۲- وظایف پزشک در فرایند درمان بیمار، ۳- احکام طبابت. وظایف پزشک در مواجهه با بیمار عبارت است از: احساس مسئولیت پزشک، تقوا و پاکدامنی پزشک، حفظ اسرار بیمار و ایجاد امیدواری در دل بیمار. فقدان این مؤلفه‌ها، مانع از تعامل حقیقی میان پزشک و بیمار شده و در مواردی درمان کامل بیمار و رضایت او از درمان را به‌احلال دچار خواهد کرد؛ اما وظایف پزشک در فرایند درمان بیمار عبارت است از: اهتمام به تشخیص بیماری، تلاش برای شناخت داروهای طبیعی و رعایت ضرورت در تجویز دارو. رعایت این نکات در روند درمان موجب اكمال درمان و بهبودی حداکثری بیماری خواهد بود. در زمینه احکام طبابت از چند موضوع فقهی و حقوقی سخن به میان آمد: جلوگیری از طبابت افراد غیرمتخصص، مسئول نبودن پزشک در صورت برخورداری از مهارت و گرفتن برائت، جواز درمان به‌رغم احتمال مرگ، انتخاب هم‌جنس برای معاینه معالجه، جواز معالجه توسط جنس مخالف در صورت ضرورت، عدم جواز معالجه توسط جنس مخالف در عدم اضطرار و عدم درمان با محرّمات. رعایت این موضوعات از سویی موجب آرامش خاطر بیمار و پزشک خواهد شد و از سویی دیگر بیمار، پزشک را امین و معتمد خود خواهد دانست. وظایف و دستورالعمل‌های طبابت با رویکرد اسلامی را از طبابت تجربی مادی‌گرا متمایز می‌گرداند. بر اساس یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود این آموزه‌ها جایگزین دستورالعمل‌ها و سؤگندنامه‌های پزشکی محدود و ناقص شوند.

## تشکر و قدردانی

مقاله حاضر قسمتی از نتایج استخراج‌شده از پایان‌نامه تخصصی مقطع کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث با عنوان «بررسی نظام سلامت از منظر روایات با تکیه بر کتاب دانشنامه احادیث پزشکی» است. نویسندگان بر خود لازم

افرادى كه در تدوين و اصلاح مقاله همكارى نموده‌اند، تشكر  
و قدردانى نمايند.

مى‌دانند از معاونت پژوهشى دانشگاه شاهد، معاونت پژوهشى  
دانشكده علوم انساني دانشگاه شاهد، داوران مقاله و كليه

## References

1. Abzan A. Medical ethics from the perspective of Quran, tradition and medicine regarding the characteristics of the therapist with the patient. National Conference on Quranic Research, University and Volume. 2009;3:4,11. [Persian]
2. Tabatabai SM, Hormozi A. Foundations of medical ethics from the perspective of Islamic texts and Iranian medical honors. Research Journal of Shahid Beheshti Medical School. 2011;25(1):1-2. [Persian]
3. Masfi M, Ahmadi R. Physician interaction with the patient and the need for legal support for it. Fourth International Conference on Science and Engineering. 2016:1. Available from: <https://civilica.com/doc/539262>. [Persian]
4. Kalateh Sadati A, Bagheri Lankarani K. A model of physician-patient relationship according to Islamic concepts. Sadra Journal of Medical Sciences. 2014;2(3):323. [Persian]
5. Mohammadiyya Riheshahri M. Encyclopedia of Medical Hadiths. Saberi H, editor. Qom: Dar Al-Hadith Scientific and Cultural Institute; 2006. Vol.1:38,47,52-57,59-64,169,181-182. [Persian]
6. Khademi N, Pahlavan M. Medical ethics in Islam (with emphasis on Nahj al-Balagheh). Nahj al-Balagheh Research Quarterly. 2010;138,143. [Persian]
7. Javadi Amoli A. Soroush Hedayat. Qom: Esra; 2018. Vol.1:181. [Persian]
8. Shakerinia I. The relationship between physician and patient and its role in patients' satisfaction with the treatment process. Iranian Journal of Medical Ethics. 2009;2(2):9. [Persian]
9. Athar M, Akmal K. Physician-patient relationship. Journal of Medical Science Shahed University. 2009;17(85):72,74,76. [Persian]
10. Salehi SM, Faramarzi R, Razini F, Ghasemzadeh N. A review of the principles of physician responsibility from the perspective of Shiite jurists reflecting on the principle of innocence. Iranian Journal of Ethics and History of Medicine. 2013;6(3):13,19. [Persian]
11. Mojtaba P. Privacy and medical security and its various aspects. Iranian Journal of Medical Ethics and History. 2009;2(4):1-13. [Persian]
12. Majlisi MB. Bahar al-Anwar. Beirut: Al-Wafa Institute; 1403 AH. Vol.5:347. [Arabic]
13. Motahari M. Perfect Man. Qom: Sadra; 2111. [Persian]
14. Khadem Al-Husseini Z, Khadem Al-Husseini M, Mahmoudian F. A study of the ethical and behavioral role of the physician in observing medical instructions by the patient in the treatment process. Quarterly Journal of Medical Ethics. 2009;3(8):92. [Persian]
15. Ahmadipour S. A study of the value and importance of medicinal plants in the treatment of human disease. The Second National Conference on New Approaches in Education and Research; 2017:1. Available from: <https://civilica.com/doc/701816> [Persian]
16. Ahmadi SM, Meskar M, Nargesiyan M. Physician's responsibility in Iranian law and Islamic jurisprudence. Scientific Research Journal of Babol University of Medical Sciences [Internet]. 2015;18(2):66. [Persian]
17. Kolini M. Al-Kafi. Kamraei MB, editor. Tehran: Islamic; 1983. Vol.3:253. [Persian]
18. Mousavi Khomeini R. Tahrir al-Wasileh. Tehran: Institute for Organizing and Publishing the Works of Imam Khomeini; 2000. Vol.3:292. [Persian]
19. Ghasemi MA. Jurisprudence of Treatment. Qom: Jurisprudential Center of Imams Mohammad Baqir; 1403 AH. Also in: Bahar al-Anwar. Beirut: Al-Wafa Institute; 2016:182,251-252. [Persian]
20. Salarzaei AH, Faisalnejad MJ. Jurisprudential study of non-peer physician examination. National Conference on Quranic Researches of Seminary and University, Journal of Medical Ethics from the Perspective of Quran, Sunnah and Medicine. 1430 AH:54. [Persian]
21. Ghaeni M. Disease transmission. Lecture outside of jurisprudence. Mehdi Khosrobigi, Subject; 2020. [Persian]
22. Javadi Amoli A. Tasnim. Qom: Esra; 2008. Vol.11:89. Also: 2015;9(32):104. [Persian]
23. Rezaei E, Rostami Ghafas Abadi A. Exclusivity in the use of forbidden treatments despite the presence of lawful alternatives from the perspective of Shiite and Sunni jurists. Medical Law Journal [Internet]. 2022;16(57):10. [Persian]

## The Role of Physicians in the Treatment System from the Perspective of Narrations

Saeedeh Mousavi<sup>1</sup>, Rasul Mohammadjafari<sup>2\*</sup>

### Abstract

**Background and objective:** : One of the most important pillars of the treatment process is the presence of a physician. Given this significant position, the subject has been addressed in religious teachings. The aim of this study is to examine the role of the physician in the healthcare system based on Islamic narrations (Hadiths).

**Methodology:** This research was conducted using a library-based approach and employed descriptive-analytical, conceptual, and documentary analysis methods. Utilizing these methods, the narrations of the Infallibles (peace be upon them) that indicate the physician's role in the treatment system were collected from the Encyclopedia of Medical Hadiths. These narrations were then categorized and analyzed according to the research objectives.

**Findings:** The findings of the study indicate that the physician's ethical and legal responsibilities and frameworks fall into at least three main categories: 1- Duties of the physician in dealing with the patient, 2- Duties of the physician during the treatment process, 3- Jurisprudential rulings related to medical practice.

**Conclusion:** According to the results of the study, in a monotheistic worldview, the physician is considered a means through which God heals human beings. Within this worldview, the physician has specific responsibilities when dealing with patients, including: a sense of responsibility, piety and chastity, maintaining the confidentiality of the patient, and instilling hope. In the treatment process, the physician is also responsible for: careful diagnosis of the illness, striving to identify natural remedies, and prescribing medication only when necessary. Regarding medical jurisprudence, the physician must observe duties such as: preventing unqualified individuals from practicing medicine, exemption from liability if competent and if prior consent (disclaimer) has been obtained, the permissibility of treatment despite the risk of death, and the preference for same-gender physicians for examination and treatment.

**Keywords:** Medical Duties, Medical Ethics, Narrations, Patient, Physician.

1. M.A. in Quranic Sciences and Hadith, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran

S.musavi8799@gmail.com

2\*. Corresponding Author; Associate Professor, Department of Quranic Sciences and Hadith, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran

r.mjafari@shahed.ac.ir